

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

ابعاد اقتصادی - فرهنگی هویت آسیایی در

منطقه جنوب و شرق آسیا

دست یافته‌اند و با عنایت به حضور بیشترین تعداد مسلمانان جهان در این منطقه و همچنین اظهار نظر مقامات مالزیایی در جهت طرح و تقویت دیدگاه هویت آسیایی با نام رنسانس آسیایی انگیزه اولیه پژوهش در این موضوع فراهم آمد. لذا سؤال اساسی این تحقیق این است که آیا هویت آسیایی در منطقه جنوب شرقی آسیا واقعی و جدی است؟ در ضمن بررسی توصیفی - تحلیلی هویت آسیایی به سؤال مهم فرعی دیگری در رابطه با چگونگی و دلیل طرح هویت آسیایی در عصر حاضر پاسخ داده خواهد شد.

در این تحقیق، واژه هویت آسیایی بسیار به کار گرفته شده است. از نظر جغرافیایی

با نزدیک شدن به پایان قرن بیستم همواره متفکران و اندیشمندان جهان در اظهارات خود بیان کرده‌اند که قرن بیست و یکم، قرن آسیا یا آسیا - پاسیفیک و به عبارتی دیگر، رستاخیز شرق می‌باشد. از مهمترین پشتوانه‌های این اظهارات رشد و توسعه اقتصادی معجزه آسیایی، آسیای شرقی است که بنابر پیش‌بینی‌ها حتی از اقتصادهای پیشرفته آمریکا و اروپا در قرن آتی پیشی خواهد گرفت. در این راستا باتوجه به این واقعیت که منطقه جنوب شرقی آسیا پس از اقتصادهای پیشرفته‌ای چون ژاپن، کسره جنوبی، هنگ‌کنگ و تایوان دارای کشورهایی از جمله مالزی، تایلند و اندونزی بوده که به پیشرفت‌های قابل ملاحظه اقتصادی

منظور از هویت آسیایی محدوده آسیا مشتمل بر آسیای غربی (خاورمیانه) و آسیای شرقی (پس از هند تا خاور دور) می‌باشد. از نظر مفهومی نیز هویت آسیایی، بازگشت به هستی و وجود تاریخی خود از بعد فرهنگ و نوعی توجه جدی به ارزش‌های سنتی خود با تکیه بر خود اتکایی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و عدم نیاز جدی به غرب است، که البته این رویکرد به معنای تضاد با غرب نمی‌باشد.

هر چند در این نوشتار جهت شناساندن تمدن، فرهنگ و هویت تاریخی آسیا، یک بررسی تاریخی از قرون باستان تا قرن بیستم انجام گردیده است، اما محدوده زمانی مورد بررسی دهه ۹۰ میلادی خواهد بود، لذا نوشتار حاضر بر اظهارات و دیدگاه‌های صاحب نظران، شخصیت‌ها و مقامات کشورهای جنوب شرقی آسیا در این دوره متمرکز شده است.

هویت آسیایی و ریشه‌های آن

تحولات عظیمی در آسیای شرقی به‌خصوص در منطقه جنوب شرقی آسیا به وقوع پیوسته است. این منطقه آستان تحولات نوین دیگری نیز خواهد بود که این مهم ضرورت و

نیاز به شناخت این منطقه و تحولات آن را بیشتر می‌کند. ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی اظهار می‌دارد که تا سال ۲۰۰۰، تولید ناخالص ملی آسیا با احتساب ژاپن، از آمریکا و اروپا پیشی خواهد گرفت. اگر دهه ۸۰ عصر کشورهای تازه صنعتی بود، دهه ۹۰ آغاز عصر آسیا می‌باشد. همچنین بانک جهانی پیش‌بینی نموده است که از ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۵ رشد اقتصادی جنوب شرقی آسیا حداقل ۷/۹ درصد خواهد بود و این دقیقاً سه برابر رشد اقتصادی آمریکای شمالی و اروپا خواهد بود. رشد و توسعه اقتصادی عظیم در آسیا یک روی سکه تحولات در آسیا است. اما روی دیگر سکه، مسائل فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی و به خصوص نقش اسلام در تحولات این منطقه است که ما را با واقعیت‌هایی جدید روبرو می‌سازد که به تولی معجزه آسیایی خوانده می‌شود. متفکران و سیاستمداران منطقه، به‌خصوص مالزیایی‌ها ضمن اشاره و قبول رشد و توسعه اقتصادی عظیم آسیا اظهار می‌دارند: اقتصاد آسیایی به رشد خود ادامه می‌دهد و شاید قدرتمندترین نیروی حاضر در شکل دادن نظم جهانی باشد. اما ادعای ما در امور جامعه جهانی صرفاً بر قدرت

ایران به دلیل تمدن غنی و تاریخ بسیار طولانی و نقش مهم آن در آسیا که حتی این نفوذ و تعامل به جنوب شرقی آسیا نیز کشیده شده است و همچنین با توجه به آسیایی بودن ایران و نوعی هویت مشترک با آسیایی ها نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد.

خوشبختانه توجه به شرق و بهره برداری بهینه از امکانات و توانایی های آسیا در چند سال اخیر با درک تحولات آسیای شرقی موجب بررسی و پژوهشی جدی در این راستا شده است. اما این مهم هنوز به یک باور ملی تبدیل نشده که لازم است هر فرد محقق به سهم خود در آشناساختن مردم کشورمان با تحولات موجود و آتی در آسیا بخصوص پیوندهای آتی آسیای غربی و شرقی و بازگشت به تمدن و فرهنگ عظیم و شکوفای قدیم پرداخته و زمینه ساز طرح گفتگوی تمدن ها گردد.

ابعاد اقتصادی - فرهنگی هویت آسیایی در منطقه جنوب شرقی آسیا

در آستانه قرن بیست و یکم، از سویی ترسیم وضعیت آتی اقتصاد جهان و ظهور قدرت اقتصادی آسیای شرقی و به عبارتی رستاخیز

اقتصادی استوار نیست. آسیا در قرن بیست و یکم بایستی کمک کننده بزرگی در توسعه تمدن بشری باشد. جامعه روشنفکری آسیا باید میراث بی نظیر منطقه را تربیت و ارتقا بخشد. به خصوص آن بخش های فرهنگی و سنتی اش را که در غنی ساختن جامعه جهانی کمک کننده است. حال با توجه به ویژگی خاص منطقه جنوب شرقی آسیا، که مبتنی بر تسامح و زندگی صلح آمیز مردم مسلمان در کنار سایر مذاهب و نژادها می باشد، نوعی اسلام سنت گرا و صلح جو مطرح است که ارزش های جهانی خود را بدون گرایش به سمت فرقه خاصی و بیشتر با تأکید بر مشترکات با مذاهب مسیحیت، بودایی و هندو ترسیم می کند. از دیدگاه ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی حتی عادلانه است که گفته شود تسامح مشخصه ی خاص آسیاست و در حقیقت هسته اصلی تفکر شرقی است.

البته تعدادی از صاحب نظران، پیشتر با طرح عقاید خود در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به چالش با این دیدگاه پرداخته اند، ولی واقعیت های آماری در مورد پیش بینی تحولات آسیا در قرن بیست و یکم، جایگاه این منطقه را در نظام بین المللی متجلی خواهد ساخت.

شرق در کنار و یا برتر از دو قدرت اقتصادی آمریکا و اروپا و از سوی دیگر حضور بیشترین تعداد مسلمانان در آسیای شرقی و اساساً تحولات فرهنگی در آسیا و طرح هویت آسیایی با نام‌هایی چون رنسانس آسیایی، ارزش‌های آسیایی و صدای آسیا، موجب ایجاد این سؤال اساسی گردید که تا چه حد این هویت آسیایی در منطقه جنوب شرقی آسیا جدی و واقعی است؟ در پاسخ به این مهم با محدود کردن کار پژوهش به دهه ۹۰ و منطقه جنوب شرقی آسیا و براساس روش توصیفی - تحلیلی و با اتخاذ روش و تکنیک اثباتی که مبتنی بر داده‌های جمع‌آوری شده از جمله آمار و ارقام مؤسسات اقتصادی معتبر بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است، به بحث و بررسی متغیرهای دخیل پرداخته و فرضیه خود را بر مبنای دو متغیر مستقل رشد و توسعه اقتصادی (اقتصاد) و تجدید حیات اسلامی (فرهنگ) در طول مقاله پی‌گیری خواهم نمود. براین اساس به نظر می‌رسد، رشد و توسعه اقتصادی از یک‌سو و تجدید حیات اسلامی از سوی دیگر موجب طرح هویت آسیایی در منطقه جنوب شرقی آسیا شده است.

به‌رغم نظرات مختلفی که درخصوص محدوده آسیا عنوان می‌گردد، آسیا از منظر یک آسیایی و نه یک غربی به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌گردد که مجموعه کشورهای آسیایی از شرق اقیانوس آرام تا شرق دریای مدیترانه را شامل می‌گردد. به عبارتی دیگر جایگاه وضعی آسیا را بایستی آسیایی‌ها مشخص کنند و نه یک وضع جغرافیایی تحمیلی که از جانب غرب و براساس خواست آنها مطرح می‌گردد.

در بحث عام هویت، اندیشمندان آسیایی هویت را به معنای بازگشت به خویش یعنی بازگشت به خویشتن اصیل انسانی و احیای ارزش‌های فرهنگی و فکری سازنده و مترقی و آگاهی‌بخش می‌دانند و به عبارتی دیگر به هماهنگی و یگانگی عناصر فکری و ارزشی و نهادهای اجتماعی اشاره می‌کنند. در این راستا هویت اسلامی به معنای بازگشت به فرهنگ اسلامی و ابدنولوژی اسلامی است؛ یعنی اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی و یک ایسمان آگاهی‌دهنده مطرح می‌گردد.

متفکران بسیاری از آسیا به ابعاد فرهنگی هویت آسیایی پرداخته‌اند. اقبال با طرح

با نقد تفکر غربی را راه علاج می‌دانند. عده‌ای دیگر، اسلام و دین را عامل انحطاط تمدنی ندانسته و تأکید بر عدم پویایی اندیشه انسان و پاسخ‌گویی به نیازهای مردم می‌دانند، و در برابر غرب معتقدند که وجه سیاسی آن توطئه‌آمیز ولی وجه ارزشی آن را بایستی خوب شناخت و از نقاط مثبت آن بهره برد. به‌طور کلی در ابعاد فرهنگی هویت آسیایی تأکید دانشمندان آسیایی بر توجه به انسان و ارزش‌ها و سنت‌ها و ایدئولوژی جامع اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی جوامع اسلامی در رویارویی با تمدن فرهنگ غرب است؛ اگرچه در این چالش استفاده از نکات مثبت تمدن غربی نفی نگردیده است.

ابعاد سیاسی هویت آسیایی چهره خود را در کنفرانس آسیا - آفریقا در باندونگ اندونزی به منصفه ظهور رساند و به غرب اعلام کرد که خواهان برابری و عدم استثمار و بهره‌کشی جوامع از یکدیگر است. در این راستا، حق کسب نقش و ملاحظه منافع ملی و اسلامی جوامع آسیایی و حضور در تقسیم منافع بین‌المللی و احترام به آن عنوان گردید. بدین ترتیب است که هائیتینگتون سران غرب را

فلسفه خودی، تقلید از «فرنگ» را رد کرده و مسلمانان را به اتحاد و اصلاح جهان و دمیدن روحی تازه در پیکر نیمه‌جان اروپا و غرب فرا می‌خواند. جلال آل‌احمد با عنوان نمودن «غرب‌زدگی» و تعبیر آن به «وبازدگی»، جوامع آسیایی را مصرف‌کننده صرف ماشین می‌داند که بایستی ضمن فراگیری فن‌آوری غرب به فرهنگ، تاریخ، اقتصاد و حقوق سنتی و تاریخی خودشان توجه کنند. استاد شهید مطهری نیز راهکار مقابله با غرب‌زدگی را شناخت تفکر غرب و نقد آن و ارائه فرهنگ خودی و اسلام راستین عنوان می‌کند.

دغدغه اصلی متفکران آسیایی کشف ریشه‌ها و علل انحطاط جوامع شرقی بوده و هست. در این راستا دو عامل مهم داخلی (درونی) و خارجی (برونی) مطرح گردیده است که عامل خارجی بر حمله مغول، جنگ‌های صلیبی و استعمار تأکید دارد، اما درخصوص عامل درونی (بخصوص در جوامع اسلامی) تعدادی از متفکران، تأکید بر انحراف از مفاهیم اسلامی از جمله قضا و قدر، خوارشمردن تأثیر عمل در سعادت انسان و مسائلی از این دست داشته و طرح اسلام راستین و غیرالتقاطی همراه

هشدار می‌دهد که اهمیت مسائل سیاست بین‌الملل، فرهنگی است و دینامیک اقتصادی کشورهای آسیای شرقی و نهضت اسلامی بخصوص در دهه کنونی موجب اعتماد و اعتقاد بیشتر به ارزش‌های شرقی و تحقیر ارزش‌های غربی توسط آسیا خواهد شد.

اندیشمندان و سیاست‌مداران جنوب شرق آسیا نیز در مفهوم هویت و ابعاد فرهنگی و سیاسی آن و تقابل با مدرنیسم به ارائه نظرات و اقدامات خاص خود پرداخته‌اند. در معنای کلی هویت با اشاره به معجزه اقتصادی آسیا، بعد عمیق آن را رنسانس آسیایی یا تجدید حیات فرهنگی (هنرها و علوم) تحت تأثیر و تصور الگوهای کلاسیک براساس بنیادهای قوی اخلاقی و مذهبی می‌دانند. به عبارتی دیگر تفاوت اساسی رنسانس آسیایی با نوع اروپایی آن را در این مهم می‌دانند که انسان آسیایی قلباً فردی مذهبی است و دارای بنیادهایی در آداب و رسوم و سنت‌های دینی از جمله اسلام، کنفیوس، بودا، هندو و مسیحیت می‌باشد.

ابعاد فرهنگی هویت آسیایی با رد میهن‌پرستی فرهنگی غرب و بربرخواندن جوامع شرقی و تشویق و استفاده از برخی

تجربیات غرب بر تنوع ادیان و سنت‌های بشری به عنوان پیش‌شرط جلوه رنسانس آسیایی توسط اندیشمندان جنوب شرقی آسیا تأکید شده است. به عبارتی دیگر با پذیرش و استفاده از تباین فرهنگی و تأکید بر مشترکات ارزشی، اندیشه‌ها رشد می‌یابند. توجه به فرد و عدم نفی حقوق اساسی و آزادی‌های مدنی و دیدگاه کل‌نگر بر زندگی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در ارزش‌های آسیایی مطرح هستند. حال در برابر غرب، آسیایی‌ها باید چیزهای بسیاری را از آن کشف کنند. و غرب هم باید آسیا را بیشتر بفهمد و به آن احترام بگذارد. در این راستا گفت‌وگو تمدنی براساس اندیشه ابن‌رشد (دکترین عقل جهانی) و با ایجاد جامعه واحدی از بشریت همانند نمونه تاریخی آن در اسپانیا که شاهد همزیستی مسالمت‌آمیز یهودیان، مسیحیان و مسلمانان بوده‌ایم، به عنوان راه‌حل مطرح می‌باشد. تعدادی از اندیشمندان آسیایی با طرد الگوی جوامع مسیحی غربی (جدایی دین از سیاست) و جوامع اسلامی (اعتقاد راسخ به اسلام و اجرای احکام اسلامی) به طرح الگویی جوامع آسیای شرقی پرداخته‌اند، چرا که جوامع آسیای شرقی به‌رغم رشد عظیم اقتصادی خود،

چرا که غرب در حال سقوط است و حتی از درون جامعه‌اش مورد نقد قرار گرفته و آسیایی که پس از ۵۰۰ سال کنار گذاشته شده بود با تطبیق صنعتی شدن غربی در حال حرکت به سوی مرکز امور جهانی است؛ البته غرب در قرن ۲۱ همچنان سلطه خواهد داشت ولی با ظهور آسیا، نیاز به گفتمان تمدنی و بازسازی تمدن جهانی به کمک آسیا، همانند کمک آن به اقتصاد و نظم نوین جهانی می‌باشد. به هر حال پیام سیاسی هویت آسیایی نه تهدید غرب که نشان از نوعی مشارکت و همکاری دو شریک به‌طور عادلانه دارد.

سابقه تاریخی هویت آسیایی را با بررسی تمدن‌های کهن آسیایی با قدمت ۳ تا ۴ هزار سال قبل از میلاد، یعنی چینی، هندی، ایرانی و اسلامی می‌توان به خوبی دریافت که چگونه تمدن‌ها به رشد و شکوفایی می‌رسند و محیط خود را متأثر می‌سازند و نوعی تعامل فرهنگی - تمدنی به وجود می‌آید؛ در این راستا برتری تمدنی بر تمدن دیگر جز با اغراض سیاسی (همانند شرق‌شناسی) توجیه دیگری نخواهد داشت.

تمدن چینی در ابعاد فرهنگی و

به حفظ ارزش‌ها، سنت‌ها و ادیان با دیدگاهی انحرافی پرداخته‌اند.

اندیشمندان جنوب شرق آسیا در تقابل با مدرنیسم اساساً به دو جریان عمده پیروی از غرب با طیف‌هایی از غرب‌زدگی و غرب‌گرایی (تقدیر علی شهبانا و سوکارنو) و عدم پیروی از غرب با اصلاح‌طلبی دینی با طیف‌هایی از تجددگرایی و متأثر از وهابیت (انجمن محمدیه و حزب آمنو) و سنت‌طلبان ضد وهابیت (نهضت‌العلماء و حزب اسلامی پاس) تقسیم می‌گردند. در این راستا، جریان اصلاح دینی در جنوب شرق آسیا متأثر از خاورمیانه و تحركات سیدجمال و عبده و ابن تیمیه بوده است که دو جریان عمده اسلام موافق پیشرفت و بازبودن باب اجتهاد و اسلام سنتی خواهان اجرای احکام اسلامی در عصر حاضر را مطرح ساخته است. جریان اصلاح‌طلبی در زمینه سیاسی، به جای اتحاد اسلامی بیشتر بر توجه به وضعیت سیاسی خود کشور ما تأکید داشته است.

در ابعاد سیاسی هویت آسیایی در جنوب شرق آسیا، تأکید اندیشمندان این منطقه بر حق کسب نقش آسیایی‌ها در نظم نوین جهانی و شناسایی این مهم توسط غربی‌هاست.

اقتصادی و سیاسی به حدی از کمال رسیده بود که غرب حتی تصور آن را نداشت، به گونه‌ای که در همان عصری که یونانیان هنوز در گام‌های اول تمدن بودند اختراعات مختلف و متنوع و از بعد صنعتی وضعی همانند اروپای قرن ۱۸ داشته و از جهت فرهنگی و اجتماعی سیستمی ایجاد کرده که بیش از ۴۰۰۰ سال دوام آورده است.

تمدن هندی نیز در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن به اعتراف غربی‌ها دارای برجستگی‌های فراوانی بوده است. صنعت در هندوستان قرن هفدهم شکوفا شده است و بازرگانی آن پررونق و اختراعات و تبحر هندی‌ها در نجوم و ریاضی عالی‌تر و بهتر از یونانی‌ها بوده است. سروده‌ها و حماسه‌های هندی در کنار رونق، آبادانی و آزادی اجتماعی و دینی و حضور دانش‌پژوهان فراوان و عظمت قصرهای شاهی و حکومت شاهان که بدون تنبیه یا گردن‌زدن بوده است و جانیان را فقط جریمه می‌کرده‌اند، قابل توجه است.

تأسیس دستگاه‌های بانیات کشوری و مدیریت عالی ایرانیان و ذوق و هنر ایرانی در معماری و بنای قصرهای عظیم پادشاهان از

برجستگی‌های تمدن ایرانی است. رونق بازرگانی و جایگاه آن به عنوان امپراتوری میانه و اتصال‌دهنده شرق به غرب عالم و ابتکار فراوان آنها در حمل‌ونقل از دیگر ویژگی‌های آن است. اگرچه در بعد صنعتی به دلیل دریافت باج و خراج از اقوام تحت حکومت در خاور نزدیک رشدی نداشتند. ایرانی‌ها پس از اسلام آوردن نیز خدمات بسیاری در ابعاد فرهنگی، هنری، علمی، معماری و صنعتی به تمدن اسلامی کرده‌اند.

تمدن اسلامی نیز در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خدمات بسیاری به سایر تمدن‌های بشری داشته است. رونق بازرگانی و صنعتی (کاغذسازی و...)، کتابخانه‌های عظیم و حضور اندیشمندان بسیار که اگر در اروپا فقط ۱۲ نفر سواد داشتند، تنها در نیشابور ۱۲۰۰۰ نفر آماده نوشتن احادیث اسلامی می‌شدند. از بعد سیاسی اگرچه مناطق وسیعی تحت کنترل حاکمان اسلامی بود، با این همه یک جامعه اسلامی نه شرقی و نه غربی وجود داشت که در خطه‌ای از آن فردی در رد فلسفه کتاب می‌نوشت و در گوشه‌ای دیگر از عالم اسلامی، فردی دیگر به آن جواب می‌داد.

قرن بیستم استقلال و آزادیش را به دست آورد و در اواخر قرن بیستم و در آستانه قرن ۲۱ در معرض رستاخیز و رنسانس آسیایی با کسب هویت آسیایی به عنوان قدرتی مستقل قرار گرفته است.

پس از طرح مقدمات فوق‌الذکر که ضرورت داشت مورد بررسی قرار گیرد، وارد بحث اساسی پژوهش یعنی نقش دو متغیر مستقل اقتصادی و فرهنگی می‌شویم.

صندوق بین‌المللی پول که از سازمان‌های معتبر بین‌المللی است در گزارش سال ۱۹۹۷ و در سند ۹۵/۹۸ خود به سیاست‌های اقتصادی سالم و رشک‌برانگیز جنوب شرق آسیا با نرخ‌های رشد بالا که ضعیف‌ترین آنها ۲٪ و در سطح آمریکاست، می‌پردازد و حتی در بررسی علمی - پژوهشی، این معجزه آسیایی به رد نظرات افرادی چون کراگمان پرداخته و ضمن تأیید رشد فوق‌العاده اقتصادی در جنوب شرقی آسیا به تبیین آن جهت تکرار و الگوبرداری سایر کشورها می‌پردازد. بانک جهانی نیز صریحاً با اشاره به معجزه شرق آسیا سرعت رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی و تداوم این رشد را در

به‌رحال با بررسی‌های به عمل آمده، نکته قابل توجه این است که در تعامل تمدنی و ظهور رنسانس اروپایی سهم تمدن‌های اسلامی، ایرانی، هندی و چینی غیرقابل نفی است. اما شرق‌شناسان متأثر از سیاست‌های حکومت‌هایشان و یا ایدئولوژی مارکسیستی در تحلیل وضعیت جامعه شرقی با عناوینی چون بربریت شرقی و استبداد شرقی، توجیه‌گر و هدایت‌گر سیاست‌مداران اروپایی و غربی در طی ۵۰۰ سال استعمار غرب بر شرق شده‌اند. تفکر شرق‌شناسی و یا امروزه منطقه‌ای تقسیم دنیا، دنیای قبل و بعد از نیوتنی، موجب جداکردن شرق از غرب و ضرورت کنترل و حکومت‌کردن بر شرق شده است. تفکر مارکسیستی هم در دام تفکر کلی و مطلق‌نگر شرق‌شناسی گرفتار شده و با افرادی چون وینفولگ در چارچوب تنگ دیدگاه مارکسیستی به تحلیل جامعه آسیایی با برجسب استبداد شرقی پرداخته است.

آسیا طی قرون ۱۵ تا ۱۹ میلادی به لطایف‌الحیل و در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت استعمار و استثمار قدرت‌های غربی قرار گرفت، ولی در نیمه اول

در سال ۱۹۹۶ هر سه منطقه به‌طور متعادل با یکدیگر در حال رقابت هستند و حتی درآمد سرانه داخلی جنوب شرق آسیا در سال ۲۰۲۰ از آمریکا پیشی خواهد گرفت.

متخصصان منطقه جنوب شرق آسیا، نیز بر رشد و توسعه عظیم اقتصادی این منطقه تأکید داشته‌اند و کشورهای چین، مالزی و تایلند را آماده ورود به جرگه کشورهای صنعتی می‌دانند، چرا که اقتصاد مالزی طی ۲۰ سال از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی مبدل شده است و با جذب سرمایه خارجی (سومین دریافت‌کننده) و نرخ تورم پایین و پس‌انداز بالا به رشد و توسعه عظیمی دست یافته است. تایلندی‌ها نیز ششمین کشور پذیرنده سرمایه خارجی با نرخ تورم پایین و با تبدیل اقتصاد کشاورزی به صنعتی که سهم صنعت ۳۷٪ و صادرات کالاهای ساخته‌شده ۶۷٪ بوده است، به دروازه کشورهای در حال صنعتی‌شدن نزدیک شده‌اند.

توجه استرالیا و سپس اتحادیه اروپا به آسیای شرقی و جنوب شرق آسیا شاهدهی دیگر بر رشد و توسعه اقتصادی بسیار این منطقه دارد. استرالیا که در سال ۱۹۶۰ دارای ۳۵٪ واردات از

دوره ۲۵ ساله آن (۹۰-۶۵) دو برابر سایر کشورهای آسیایی و سه برابر کشورهای آمریکای لاتین می‌داند و حتی تا سال ۲۰۰۵ پیش‌بینی نمود که این رشد ۷/۹٪ و دقیقاً سه برابر رشد اقتصادی آمریکای شمالی و اروپا خواهد گردید.

اظهارات مقامات و شخصیت‌های کلیدی منطقه جنوب شرق آسیا نیز حائز اهمیت است. مالزیایی‌ها به رشد آسیا در سال ۱۹۸۹ که ۵/۴٪ بوده است و میانگین جهانی آن ۳/۲٪ اشاره می‌کنند و اینکه تا سال ۲۰۰۲ تولید ناخالص ملی آسیا به اضافه ژاپن از آمریکا و اروپا خواهد گذشت. مالزی که در سال ۱۹۶۷ سهم کالاهای تولیدی‌اش ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی بوده است. در سال ۱۹۸۹ به ۲۵٪ و هم‌اکنون به ۳۵٪ رسیده است و امروزه مالزی رهبری صادرات نیمه‌هادی‌ها و کالاهای الکترونیکی و الکتریکی را در جهان برعهده دارد و به دنبال تبدیل کشور به یک کشور صنعتی تا سال ۲۰۲۰ براساس «دیدگاه ۲۰۲۰» است.

سنگاپوری‌ها هم اشاره می‌کنند که سهم جنوب شرق آسیا از درآمد جهانی در سال ۱۹۸۰ نصف اروپا و آمریکای شمالی بوده است، ولی

جانب اقتصاد برتر ولی در حال افول آمریکا برنامه‌ریزی شده باشد. به هر حال توطئه‌آمیز بودن این بحران، تأییدی بر واقعی بودن رشد و توسعه عظیم اقتصادی آسیای شرقی و خطر آن برای سایر اقتصادهای جهانی می‌باشد.

در ریشه‌یابی بحران دو دیدگاه عمده مطرح است که اولی بر عامل داخلی و دومی بر عامل خارجی تأکید دارد. در دیدگاه اول فساد دولتی و دنبال کردن پروژه‌های پرستیژی و بالارفتن هزینه‌های کارگری و کندشدن جریان سرمایه، در کنار ورود دو قدرت اقتصادی چین و هند مطرح می‌گردد. اما باید به این نکته توجه داشت که ضرر صادراتی ۱۵٪ صنایع الکترونیک آمریکا و بی‌کاری آمریکایی‌ها و همچنین کمک مجدد صندوق بین‌المللی پول و حضور مجدد شرکت‌های آمریکایی در تضاد با این نظریه است و اساساً توجیه اقتصادی قضیه این است که با تقویت دلار آمریکا پیمان پلازا در لوور به کناری نهاده شده و قدرت سایر کشورها در برابر آمریکا کاهش یافت و دیگر اینکه بحران آسیای شرقی بحران میان‌سال است یعنی صنایع بومی این کشورها را نباید دست‌کم گرفت و مثل آقای کراگمان ناپستی اندیشید که اقتصاد

انگلیس بود، در حال حاضر (۱۹۹۵) واردات خود را به کمتر از ۶٪ رسانده و به جای آن تجارت با مالزی، اندونزی و سنگاپور را افزایش داده است. اتحادیه اروپا با برگزاری اجلاس آسیا-اروپا (آسم) سعی در دستیابی به بازارهای آسیا را دارد. میزان تجارت آسیا با اروپا در سال ۱۹۹۴ به ۳۱۲/۶ میلیارد یعنی ۲۳٪ حجم تجارت خارجی اروپا را شامل شده و از آمریکا پیشی گرفته است.

افزایش حجم مبادلات در درون آسیا هم دلیل دیگری بر رشد و توسعه بسیار این منطقه دارد. در سال ۱۹۹۵ حجم تجارت میان آسیایی‌ها از مرز ۵۰۰ میلیارد دلار گذشت که از معامله تجاری با اروپا بیشتر می‌باشد.

در زمان تحریر اولیه این پژوهش، بحران مالی آسیای شرقی و جنوب شرق آسیا در نیمه ۱۹۹۷ به وقوع پیوست و به یکباره اقتصادهای شکوفای منطقه را اقتصادهای پوشالی نامیدند. اما در بررسی علمی که از تحولات اقتصادی منطقه داشتیم، نمی‌توان چنین بحرانی را به ضعف نهادینه اقتصادهای منطقه نسبت داد مگر اینکه در عصر جنگ‌های اقتصادی و ظهور آسیای شرقی سناریویی از

آسیایی، اقتصاد سوسیال‌سازان و بدون کارایی است.

دیدگاه دوم عامل خارجی را عمده کرده و عوامل داخلی را به عنوان عوامل تشدیدکننده می‌پذیرد. رویارویی آشکار دو نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد یعنی اقتصاد کشورهای صنعتی یا انگلوساکسونی با اقتصاد بازار توسعه‌ای در کشورهای آسیای شرقی علت اصلی بحران است. رئیس بانک فدرال آمریکا صریحاً گفته است که بحران حاضر دال بر برتری و پیروزی نظام سرمایه‌داری با شیوه انگلوساکسونی است. عوامل تشدیدکننده نیز عبارت از کسری موازنه جاری، آزادسازی زودرس پول و سرمایه و فساد مالی حاکم بر کشورها و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت می‌باشند. در کنار این دو دیدگاه اصلی، هشت دیدگاه دیگر هم قابل طرح است که هرکدام در راستای دو تحلیل قبلی می‌باشند.

به نظر می‌رسد از طریق یک تحلیل سیستمی بایستی به تأثیر و تأثر عوامل داخلی و خارجی - هر دو - بها داد. وضعیت نظام جهانی بخصوص پس از فروپاشی شوروی و قبل از آن بروز انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری جدید

جهان اسلام و جایگزینی روندهای اقتصادی به جای روندهای نظامی حداقل در دوره گذار از نظم نوین جهانی به نظام نوین جهانی در سطح جهانی و نقش آمریکا در این میانه، در کنار نقاط ضعف موجود در کشورهای آسیای شرقی از جمله فساد مالی، بانکی و حکومتی زمینه لازم را برای ایجاد نظم دلخواه برای آمریکا به منظور کنترل یک رقیب از دو رقیب جهانی (اروپا و آسیای شرقی) یعنی آسیای شرقی، که رقیب ضعیف‌تر است، فراهم کرد.

رشد و توسعه اقتصادی آسیای شرقی براساس تئوری‌های غازه‌های پرنده (واردات، تولید بومی و صادرات) و به نوعی اقتصاد پله‌ای از ژاپن به کشورهای تازه صنعتی‌شده و نهایتاً به کشورهای آسه‌آن و چین رسید و نوعی وابستگی متقابل بین این کشورها به وجود آورد. در این راستا، وضعیت اقتصادی آمریکا با کسری دو قلو (بودجه و تجارت خارجی) و کسری خالص سرمایه‌گذاری که بالغ بر ۱۰٪ تولید ناخالص داخلی این کشور است، با مشکلات جدی روبرو است. بنابراین، دیگر آمریکا تنها لوکوموتیو اقتصاد جهان محسوب نمی‌گردد و اقتصادهای آسیای شرقی و اروپا هم مطرح

سال، به سوی قدرت‌یابی مجدد و اروپای واحد در حرکت است و آسیای شرقی هم در حال اوج‌گیری و تبدیل شدن آن به یک رقیب جدی برای آمریکا بود. لذا در عصر گذار جهانی که تا ۴۰ یا ۵۰ سال آینده جنگ‌های نظامی مطرح نخواهد بود و عملاً جنگ‌های اقتصادی مطرح هستند، پس بایستی اذعان کرد که جنگ جهانی اول اقتصادی بین آمریکا و اقتصاد پویای آسیای شرقی (در مقایسه با اروپا که ضعیف‌تر است) انجام و آسیای شرقی شکست خورد. البته مدیریت بحران به گونه‌ای توسط آمریکا اعمال شد که ضربه کنترل شده (وابستگی اقتصادهای آمریکا و ژاپن) به همراه وابستگی (ارائه چندین میلیارد وام توسط صندوق بین‌المللی پول) و نفوذ (خرید شرکت‌های منطقه) در کشورهای منطقه آسیای شرقی بخصوص جنوب شرقی آسیا می‌باشد. به عبارت دیگر ایجاد یک مکث ۲۰ تا ۳۰ ساله در عدم عروج آسیای شرقی همانند اروپای پس از جنگ جهانی دوم مدنظر بوده است. سازوکار اقدام نیز از طریق نقطه ضعف این کشورها، یعنی سیستم بانکی و تجارت ارز بوده است، اگرچه بانک‌های مرکزی شرق آسیا کنترل بیش از نیمی از ذخایر ارزی

هستند. لستر تارو تجارت جهانی را متأثر از گسلی می‌داند که یک سر آن «مازاد بازرگانی ژاپن و سر دیگرش کسری بازرگانی آمریکاست. توصیه وی، حل عدم موازنه‌های بازرگانی گروه بازرگانی «غازه‌های پرنده» به رهبری ژاپن با آمریکاست. اساساً هدف استراتژیک آمریکا تا قبل از فروپاشی شوروی، مقابله با تهدید کمونیسم در منطقه بود. لذا تقویت جبهه واحدی از کشورهای آسیای شرقی (با تأکید بیشتر بر اتحاد با ژاپن، کره جنوبی، آسه‌آن یا فیلیپین و تایلند و استرالیا) را در نظر داشت، ولی به دنبال رشد و توسعه اقتصادی آسیای شرقی و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۲ عملاً دوستان و متحدان قدیم، به عنوان رقبای جدید اقتصادی مطرح گردیدند.

حال بحران را براساس طرح هویت آسیایی بدین شکل می‌توان تبیین کرد که آسیای شرقی به دلیل رشد و شکوفایی‌اش در ابعاد اقتصادی و ارائه‌کننده طرح تمدنی در قرن ۲۱ با ابعاد فرهنگی‌اش رقیبی جدی برای آمریکا بود. در صحنه اقتصاد جهانی، رقبای آمریکا، اروپا و آسیای شرقی بودند. اروپا به رغم اقدامات پنهانی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و پس از ۴۰

جهان را در اختیار داشتند. نکته قابل توجه در این ارتباط است که سوروس اقدام خود را ارضاء کردن نظام فعلی سرمایه‌داری جهانی و حفظ و بقای این سیستم عنوان کرده است.

متغیر دوم یا ابعاد هویت فرهنگی، هویت آسیایی را با اشاره به سابقه تمدنی منطقه آغاز می‌کنیم.

سابقه تمدنی جنوب شرقی آسیا به رغم قدمت قوم ملایو (۲۵۰۰ سال) چندان قدیم نیست و تمدن‌های این منطقه متأثر از فرهنگ و تمدن هندی است که از قرون دوم و سوم میلادی وارد منطقه شده است. از ویژگی‌های تمدن منطقه، ایجاد معابدی عظیم است که تاحدی با تخت جمشید برابری می‌کند و توسعه امور مهندسی آبیاری در زمین‌های کشاورزی، رونق تجارت و بازرگانی که در شرق به چین و در غرب به اروپا می‌رسید، قابل ذکر است. وجود امپراطوری‌های بزرگ هند و بودایی و تأثیرپذیری سیاسی آنها از چینی‌ها و سپس ظهور امپراطوری اسلامی مالاکا و تأسیس پادشاهی‌های اسلامی در اندونزی و مالزی و... موجب عقب‌زدن دو فرهنگ هندو و بودایی در منطقه شد، چرا که قدمت ورود اسلام را در قرن

هفتم میلادی یا همان دوران گسترش اسلام توسط تجار و مبلغان ایرانی، عرب و هندی می‌دانند. تأثیرات اسلام بر فرهنگ و تمدن منطقه نه تنها در تأسیس سلسله‌های سلطنتی و امپراطوری‌ها بلکه در میراث‌های فرهنگی نیز قابل توجه است. از جمله این میراث‌ها، تحریر تاریخ ملایو با معیارهای ادبی و مکاتب فکری وحدت وجود و کشف و شهود با ظهور چهار اندیشمند معروف آن و کتاب‌های بسیاری که متأثر از آثار ادبی ایرانی چون شراب‌العاشقین و تاج‌السلطنین می‌باشد.

با استقلال کشورهای آسیایی پس از جنگ جهانی دوم، تحولات در میان مسلمانان آسیا با تکیه بر حکومت‌های نوین بر اسلام سنتی و آداب‌گرا تا سیاسی، چندان عمیق نبود، اما دهه ۱۹۷۰ نشان‌گر مرحله نوینی در تاریخ اسلام گردید که با ظهور انقلاب اسلامی ایران و تحولاتی دیگر چون تحریم نفتی اعراب، جنبش استقلال‌طلبانه مورو در جنوب فیلیپین اسلام به عنوان عامل و در برخی مواقع به عنوان تنها عامل در سیاست مسلمانان مطرح شد. تأثیرات انقلاب اسلامی ایران شگرف‌تر از سایر تحولات بود. ترجمه آثار متفکران مسلمان از جمله

سیاسی و اقتصادی آسیا را مشخص می‌کنیم، بایستی اولویت‌های روشنفکری و فرهنگی خود را نیز تبیین کنیم. لذا مشارکت با طرحی مشخص و اولویت‌بندی شده بدیهی است.

در این راستا آسیا به‌رغم قرن‌ها تغییر و گذار، مشخصه مذهبی‌اش را حفظ کرده و فرزندان ابراهیم با تمدن‌های بزرگ هندی و چینی به جای دشمنی، شک و عدم تفاهم با رعایت تسامح، احترام متقابل و آرزوی واقعی در شناخت یکدیگر به سوی دوستی، اتحاد و تفاهم می‌روند و عدالت اجتماعی عامل مهمی در همبستگی جامعه چندفرهنگی است.

در این تصویر، اسلام در جنوب شرقی آسیا ویژگی‌های برجسته صلح‌جویی و تسامح و عدالت‌طلبی را یافته است، چراکه سابقه ورود اسلام به منطقه از طریق دریا و تجار و نه سربازان شمشیر به دست بوده است. اصل اوستاها یا راه قرآنی همانند مفهوم کنفوسیوسی است و موجب تقویت ویژگی‌های ملایم و معتدل‌کننده ملایوها است. اجرای قوانین اسلامی و یا ایجاد حکومت اسلامی در حاشیه‌اند و تصوری برای انقلاب دائمی وجود ندارد. سرگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌های

سیدقطب، ابوالعلاء مودودی، دکتر شریعتی و استاد مطهری در زمینه فکری و گرایش به حجاب اسلامی و توجه به اسلامی‌کردن امور از جمله بانک‌داری و دادگاه اسلامی در زمینه اجتماعی و شخصیت امام خمینی (ره) به‌عنوان نماد پیروزی اسلام بر غرب، موجب تقویت هویت مستقل اسلامی و رهایی از نوعی عقده حقارت تاریخی مسلمانان در منطقه گشت و به قولی رنسانس آرامی را در زمینه آرای سیاسی و اجتماعی اسلام در جنوب شرقی آسیا پدید آورد. این تأثیرات، روند احیای اسلام را در منطقه تسریع کرده و به جای نقش‌پذیری و تأثیرپذیری آنها از خاورمیانه، نقش مشارکت و تأثیرگذاری بر خاورمیانه و حتی تغییر مرکز از مکه به جنوب شرقی آسیا عنوان گردیده است.

اندیشمندان این منطقه معتقدند که رشد و توسعه اقتصادی تنها عامل قدرت جامعه آسیایی نیست، بلکه عامل مهم دیگری به نام فرهنگ و اخلاق و دین آسیایی در تکامل تمدن بشری ضروری است. رشد و رفاه روزافزون آسیا به معنای ارائه جایگزین‌های جدی به ترتیبات مسلط جهانی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. همان‌گونه که ما اولویت‌های

منطقه‌ای درخصوص شخصیت‌های مهم منطقه ازجمله خوزه ریزال، سون یات سن، اقبال، سیدجمال یا کنفرانس اسلام و کنفسیوس و مسائل آسیایی و تأکید بر مشترکات دینی ازجمله اقدامات مالزی در راستای طرح رنسانس آسیایی بوده و هست. برای نمونه برگزاری همایش سیدجمال و رنسانس آسیایی در مالزی به‌عنوان الهام‌بخش اسلام‌گرایان در بررسی مسجدها و سنت‌ها و تفکر مجدد در خلق استراتژی‌های نظم اجتماعی و جامعه مدنی است که حفظ هویت اسلامی به‌عنوان پیش‌شرطی برای نوگرایی در اسلام بوده است. تحولات اجتماعی در جوامع اسلامی آسیای شرقی بخصوص با درنظر گرفتن حضور

بیش از نیمی از مسلمین جهان در منطقه آسیا - پاسفیک در کنار رشد و توسعه عظیم اقتصادی آنها، مورد توجه اندیشمندان مسلمانان جهان قرار گرفته و توجه به بهره‌برداری اکید از این مهم دارند که اگر چنین نشود کشورهای چون مالزی و اندونزی چیزی جز چند جزیره صنعتی و مدرن ادغام‌شده در نظام سلطه‌گرای جهانی نخواهند بود. بنابراین، برای مسلمانان منطقه، توسعه یک نظام مشروع مبتنی بر تاریخ و تمدن اسلامی و فرهنگ‌های مجاور و همسایه یک موضوع حیاتی است.

محمد خوش‌هیکل

کارشناس وزارت امور خارجه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

۱. احمد موتقی، *جنتیش‌های اسلامی معاصر*، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴).
۲. دلبار نور، *نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی*، ترجمه ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰).
۳. ام.بی هوکر، *اسلام در جنوب شرقی آسیا*، ترجمه محمدمهدی حیدرپور، (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰).
۴. ادوارد سعید، *شرق‌شناسی*، مترجم عبدالرحیم گواهی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱).
۵. محمد نقی‌زاده، *به سوی قرن ۲۱*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶).
۶. لستر تارو، *آینده سرمایه‌داری*، ترجمه عزیزکیاوند، (تهران: نشر دیدار، ۱۳۷۶).
۷. جان. ال اسپوزیتو، *پیش‌درآمدی بر اسلام در آسیا*، ترجمه علیرضا دستگیری، *مجله مشکوة*، شماره ۳۸.
۸. بهزاد شاهنده، *قدرت‌های اقتصادی آینده در شرق آسیا*، *ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال نهم، شماره ۵ و ۶، (بهمن و اسفند ۱۳۷۳).
۹. حمید مولانا، *رشد اقتصادی و تغییرات اجتماعی جوامع اسلامی و تحول بزرگ در آسیای شرقی*، *روزنامه کیهان*، ۷۴/۱۲/۳.
۱۰. ریچارد هالوران، *رستاخیز شرق*، ترجمه ف.م. هاشمی، *روزنامه سلام*، ۱۴ و ۷۵/۴/۱۹.
۱۱. *رشد اقتصادی در شرق آسیا*، ترجمه فرهنگ ذکایی، *بولتن بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه*، خرداد ۱۳۷۶.
۱۲. جیمز بیکر، *چشمداشت‌های آمریکا در آسیا*، *روزنامه اطلاعات*، ۷۰/۱۲/۱۷.
۱۳. محمود اسماعیل‌نیا، *مسلمانان جنوب شرقی آسیا و انقلاب اسلامی ایران*، *مجموعه مقالات*، جلد سوم، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷).

۱۴. ابو الفتح بیگی، سمینار هویت آسیایی، گزارش وزارت خارجه.

15. Anwar Ibrahim, *The Asian Renaissance*, (Malaysia: Times Book International, 1996).

16. John Brenson, *From Dominoes to Dynamos: The Transformation of Southeast Asia*, (N.Y: Council of Foreign Relations Press, 1994).

17. Anwar Ibrahim, The Ardent Moderates, *Time Magazine*, Sep. 23, 1996.

18. Kausikan Bilahari, Asia's Different Standard, *Foreign Policy*, No. 92, (Fall 1993).

19. Chandra Mozaffar, Asian Identity, *New Strait times*, June 7, 1997.

20. Behzad Shahandeh, The Asian Prospectus, Jakarta, *ICMI*, 1997.

21. Richard Ellings & Edward Olsen, A New Pacific Profile, *Foreign Policy*, No. 89, (Winter 92-93).

